

مسئولیت مدنی

۵

دعوی هفدهم^۱

مرجع رسیدگی: دیوانعالی تمیز

محل: ایالت واشنگتن از ایالات امریکای شمالی

سال: ۱۹۲۲

موضوع دعوا: مسئولیت کسی که اتومبیل خود را به امانت میدهد

جریان دعوا

شخصی اتومبیل دوست خود را به عاریت گرفت تا باتفاق دوستانی چند به یزمی بروند و به شرابخوردگی پردازند. صاحب اتومبیل بخوبی میدانست که درخواست کننده مردیست دلبسته مستی و شراب و با علم باینکه اتومبیل را بچه منظور میخواهد، درخواست او را پذیرفت و اتومبیلش را تسلیم کرد. اتومبیل دچار تصادف شد و صاحب آن علاوه بر خسارات وارد بر اتومبیل، با مشکلات و هزینه های دعوی حاضر مواجه گردید.

مفروضات ثابت و قطعی دعوا یکی اینست که اتومبیل متعلق به شخصی است که رانندگی و بهره برداری از آنرا دیگری بعهده داشته و دوم اتومبیل بمنظور عیاشی و خوشگذرانی شخص اخیر بامانت داده شده نه برای انجام مقاصد یا امور مالک.

1) Mitchell V. Churches. Supreme Court of Washington, 1922. 119 Wash. 547, 206 Pac. 6, 36A. L. R. 1132.

رای دیوانعالی تمیز

آنچه در این دعوا باید مورد امان نظر قرار گیرد و بآن پاسخ داده شود اینست که هرگاه مالک علم و یقین داشته و یا دلائل کافی بر اطلاع او در دست باشد که اتومبیل خود را بکسی سپرده که هنگام راندن یا تصدی به امور آن سربخوا و بی احتیاط است و بالاخص تحت شرایطی، احتمال بی پروائی وی افزوده میشود، و تحت همان شرایط اتومبیل را در اختیار وی بگذارد، در صورت بروز حادثه آیا صاحب اتومبیل مسئول جبران خسارات زیان دیده خواهد بود.

به اعتقاد محکمه تالی، چون مالک اتومبیل باین نیت یا باین تفاهم که رانندگی آنرا شخصی بی احتیاط برعهده خواهد گرفت و با اطلاع باینکه مشارالیه شراب نوشیده مست میشود و محتملا، در این حال رانندگی خواهد کرد، معذک اتومبیل خود را در اختیار وی گذارده و نظر باینکه احتمالات مزبور تحقق یافته و منتهی به تصادفی شده که راننده اتومبیل در وقوع آن مقصر بوده..... مالک اتومبیل در جبران خسارات شخص ثالث نیز مسئول است.

به نظر ما استنباط دادگاه تالی موجه است زیرا اتومبیل در اصل و ماهیت شیئی خطرناک نیست و هرگاه با احتیاط هدایت شود بالنسبه به هروسیله نقلیه دیگر، امن تر و اطمینان بخش تر است. برعکس، راندن آن بوسیله شخصی بی احتیاط یا غیر ماهر وسیله نقلیه مزبور را خطرناک میسازد. بناء علی ذلك و نظر به وسوسه و تمایل طبع آدمی به گرفتن سرعت، هنگام راندن اتومبیل، بر مالک است که در انتخاب راننده درجه ای از احتیاط را رعایت کند. و لذا در صدور اجازه استفاده از اتومبیل نه تنها بلحاظ مسئولیتهائی که مالکیت اتومبیل به همراه دارد، بلکه از نظر تقصیری که مشترکا با راننده مرتکب شده، جوابگو است.

منظور از «تقصیر مشترك» یکی تقصیری است از طرف مالک که اتومبیل خود را به شخصی نامصالح و بی احتیاط سپرده و دیگری تقصیر راننده است که در وقوع تصادف مرتکب شده است. و اما در دعوی حاضر اگرچه دلائل به شدت جزئی و ناچیز است لیکن به اعتقاد ما برای صدور رای به محکومیت مالک و راننده کافی است.....

دعوی هیجدهم^۲

مرجع رسیدگی: دادگاه استیناف

محل: ایالت ایندیانا از ایالات متحده امریکای شمالی

سال: ۱۹۰۳

موضوع دعوا: مسئولیت مؤسسه حمل و نقل در حفظ جان مسافران

2) Appellate Court of Indiana, 1903. 31 IND. App. 605, 68 N. E. 909.

جریان دعوا

یکی از مؤسسات حمل و نقل که امتیاز بهره‌برداری از شبکه راه‌آهن داخلی شهری را داشته و مسافران را از نقاط مختلف شهر در مسیر راه‌آهن به مقصد می‌رسانده، تفرجگاهی در نزدیکی شهر احداث و در آن انواع وسائل تفریح و سرگرمی تعبیه و مردم را ترغیب و دعوت می‌کرده تا با قطار به تفرجگاه بروند و از آن دیدن کنند و از این راه برعایدات خود می‌افزوده است.

در یکی از روزها، مؤسسه مذکور، کنسرت موسیقی مجانی که از چندی قبل درباره آن تبلیغات دامنه‌داری مینموده، در پارک براه انداخته و موفق می‌شود که تعداد کثیری مسافر در آن روز به قطارها جلب و به پارک ببرد. در میان مسافران آنروز، گروهی متجاوز و بی‌اعتناء به قوانین از چندی قبل مواضعه و توطئه میکنند تا در روز کنسرت در پارک حضور یابند و گروهی وابسته به اقلیت ساکنان شهر را که در تفرجگاه می‌ایند مورد ضرب و شتم و آزار و فحاشی و تحقیر، قرار دهند. یکی از افراد گروه اخیر از همه‌جا بی‌خبر همراه با خانمی در آنروز به پارک وارد و بوسیله افراد گروه متجاوز بشدت مضروب میشود و برای وصول خسارات بطرح دعوی حاضر علیه مؤسسه حمل و نقل مبادرت می‌ورزد و چنین توضیح میدهد: مؤسسه حمل و نقل از جریان توطئه مطلع بوده و علاوه بر این در بعدازظهر همانروز مردان و جوانان بی‌بندوبار مزبور در محوطه پارک رژه رفته و در مرئی و منظر عامه تمرین کرده، و خود را آماده مینموده‌اند تا همینکه افراد گروه مخالف را ببینند، به آنان حمله‌ور شوند. مؤسسه حمل و نقل در جریان این احوال دست روی دست گذارده نه باینگونه اعمال بی‌رویه اعتراض کرده، نه اقدامی برای جلوگیری از آنان معمول داشته، نه اعضاء گروه مخالف را از حوادثی که در انتظارشان بوده مستحضر ساخته است. مؤسسه تقصیر داشته که باندازه کافی مراقب برای حفظ انتظامات درون محوطه پارک تدارک ندیده و دوتفر از مراقبان مؤسسه که شاهد مضروب شدن بی‌رحمانه شاکی بوده و میتوانسته‌اند به کمک وی بشتابند و از مجروح و مصدوم شدن او جلوگیری نمایند، از مداخله خودداری و به تماشای صحنه پرداخته‌اند.

دادخواست همچنین مشعر است بر اینکه مؤسسه با اطلاع از ماجرای توطئه و تبانی و با سکوتی حاکی از رضایت ضمنی، با کارکنان خود که به کمک و حمایت از شاکی نپرداخته‌اند معنأ در حمله و وارد شدن خسارت مشارکت داشته است.

رای دادگاه استیناف

آراء و رویه‌های قضائی حاکی است از اینکه:

هرگاه شخصی به نحو صریح یا ضمنی دیگران را به ملك خود دعوت کند اهم از اینکه منظور انجام کاری یا معامله‌ای یا هر غرض دیگری باشد، مکلف است، در حدود معقول، اطمینان حاصل نماید که آثارها به مخاطره نمی‌اندازد و لذا موظف است مراقبت و احتیاطی که عرفاً ضروری است معمول و محل ملاقات را خالی از

خطر و امن سازد. کسی که دیگری را با علم باینکه دشمنی بقصد حمله و ایراد ضرب در انتظار اوست دعوت میکند در حکم میزبانی است که میهمان خود را به خانه‌ای فاقد ایمنی ببرد و لذا سزاوار سرزنش و عقوبت است....

دلالتی اقامه شده است که در همین پارک علیه همین گروه قبلا حملاتی صورت گرفته و روزنامه‌های شهر از آنها بحث کرده و مؤسسه انکار ننموده است.

برای احراز حدود احتیاطی که مؤسسه باید رعایت میکرد، باید به علم وی از اوضاع و یا وسائلی که برای کسب خبر و اطلاع در اختیار داشته و حکایت از مخاطراتی میکرده که برای گروه مزبور در پارک موجود بوده است، توجه نمود.

حادثه مزبور اشباه و نظائری داشته که قبلا اتفاق افتاده و برای جلب توجه و اطلاع کفایت میکرده است. چنین بنظر میرسد که مؤسسه و مأموران وی در برابر اوضاع و شرائطی که نمیتوانسته‌اند از آنها بی‌خبر بوده باشند، بی‌طرفی اختیار و بی‌تفاوت مانده‌اند، روش مزبور ممکنست ناشی از عقیده‌ای باشد که گاهی با حسن قبول تلقی میشود و آن اینست که حداقل وظیفه یک عضو جامعه در برابر اعمال خلاف قانون یا ترمد و هرزگی دیگران بی‌اعتنائی و بی‌تفاوتی است. این اعتقاد بکلی خطا و مبتنی بر اشتباه است.

در باب رابطه علیت میان تقصیر مؤسسه و زیان وارد بر مدعی اگرچه مدارک بوجود رابطه مزبور دلالت دارد، موضوع ماهوی و در صلاحیت محکمه تالی است که مورد حکم قرار گرفته و لذا دادنامه صادر تأیید و....

دعوی نوزدهم^۲

مرجع رسیدگی: دیوان عالی سلطنتی انگلستان

محل: لندن

سال: ۱۹۲۸

موضوع دعوا: مسئولیت امین

جریان دعوا

شخصی مغازه‌ای را که بوسیله دری به حیاط خانه‌اش متصل بوده به دیگری باجاره واگذار میکند. موجر در آن‌خانه سکونت داشته و بین طرفین مقرر بوده است که هنگام شب و زمانیکه مستأجر مغازه را ترک میکند، موجر حق ورود و سرکشی و بازرسی مغازه را خواهد داشت تا اطمینان حاصل شود که مغازه در معرض خطری نیست. در شب حادثه شخصی که میهمان موجر بوده و شب را آنجا مانده، به میزبان تذکر داده که از مغازه بوی گاز استشمام میکند. هردو تن وارد مغازه میشوند، موجر یک قسمت از لوله گاز را با شعله بی‌حفاظ آزمایش میکند و اثری از شکستگی یا

3) Brooke V. Bool. Court of King's Bench Division, 1928. (1928) 2K. B. 578.

معیوب بودن لوله ملاحظه نمی‌نماید. لیکن همینکه میهمان قسمت دیگر لوله را بوسیله شعله کبریت روشن میسازد تا آنرا بازرسی نماید، ناگهان انفجاری رخ میدهد و خسارات قابل ملاحظه‌ای به مغازه و محتویات آن وارد میشود.

مستأجر زیان دیده علیه موجر برای وصول خسارات ناشی از انفجار مزبور طرح دعوا کرده و در مرحله بدوی حکم به بی‌حقی وی صادر شده است.

دلایلی که موجر در مرحله مزبور اقامه و دادگاه را قانع کرده به اجمال حاکی از اینست که به میهمان خود کبریت نداده و باو نگفته که به آنطرف مغازه برود و لوله را بازرسی کند میهمان کبریت را هنگامی روشن کرده که به آنطرف مغازه و بمحل انتشار گاز رسیده بوده است. علاوه براین به میهمان خود گفته که ممکنست نفوذ گاز بخارج، از قسمت فوقانی لوله باشد و باید روی صندلی یا پیشخوان رفت و آنرا ملاحظه کرد (منظور اینست که آنچه موجر نگفته اجرا شده و آنچه گفته انجام نشده است پس در اینصورت مسئولیتی متوجه وی نیست)

دادرس دادگاه بدوی که حکم به سود مدعی علیه و به بی‌حقی مدعی داده نسبت به صحت رأی خود تردید و تصریح کرده که آنچه دیوانعالی حکم کند وی تسلیم آن خواهد بود.

رأی دیوانعالی

بدوا باید بین وضع حقوقی که موجر و میهمان هر یک جداگانه در برابر مستأجر داشته‌اند، قائل به تفصیل شد. موجر بنا بر درخواست و توافق با مستأجر به ملك وی رفته و اقدام وی موجه و قانونی بوده لیکن میهمان مجاز در ورود به مغازه نبوده مگر آنکه موجر از او چنین تقاضائی کرده و او را به کمک طلبیده باشد. دلایل کافی در پرونده ملاحظه میشود که مستأجر با تفویض اختیار بموجر براینکه به مغازه وارد شود و آنرا بازرسی کند، این اجازه را نیز به وی داده است که هنگام بروز اینگونه مخاطرات از دیگران دعوت کند تا به درون مغازه آمده او را یاری نمایند. موجر کنترل اوضاع را در دست داشته، و تنها با اجازه و یا دعوت او بوده که میهمان توانسته به مغازه وارد شود، موجر حق داشته هر لحظه به میهمان اخطار کند که مغازه را ترك کند و میهمان موظف با اجرای دستور وی بوده است.

(در اینجا از دعاوی مشابهی یاد شده که مالك اتومبیل از جمله سر نشینان آن بوده، راننده با اجازه مالك هدایت اتومبیل را بعهده داشته و مالك هر لحظه میتواند به راننده دستور توقف دهد و لذا کنترل اتومبیل را در اختیار داشته است. اتومبیل بعلت تقصیر راننده تصادف کرده و دادگاه مالك اتومبیل را در برابر زیان دیده، به سبب تقصیر راننده، مسئول دانسته است)

همان اصلی که در دعاوی فوق منظور نظر بوده، در دعاوی حاضر نیز قابل انطباق است. موجر که حق کنترل میهمان را داشته و او را دعوت کرده و باو اجازه ورود به مغازه را داده مسئول هواقب اعمالی است که بوسیله میهمان رخ داده است

و لذا حکم دادگاه بدوی نقض و....

دهوی بیستم^۴

مرجع رسیدگی: دیوانعالی تمیز
محل: ایالت نیویورک از ایالات متحده امریکای شمالی
سال: ۱۹۳۲
موضوع دعوا: مسئولیت ناشی از اتومبیل متوقف

جریان دعوا

مدعی علیه ردیف اول، شرکتی است نفتی که طبقه اول ساختمانی را در تصرف داشته است. متصل بساختمان مزبور راهروی عریض بوده که به حیاط ساختمان منتهی میشده و عرض آن باندازه‌ای بوده که کامیون و اتومبیل در آن توقف میکرده است. حیاط مورد استفاده ساکنان طبقه دوم بوده و کودکانشان همراه با دوستان خویش در آن جا به بازی میپرداخته‌اند.

مدعی علیه ردیف دو صاحب کامیونی بوده که خود و کامیون هر دو در اجازه شرکت نفتی مزبور بوده‌اند. کامیون دچار تصادف میشود و صاحب آن با اجازه شرکت، کامیون را در راهرو قسمتی از حیاط خانه متوقف و مستقر میسازد. بتدریج قطعات بسیاری از کامیون و همچنین تاپیرهای آن ربوده شده و تشک‌ها به یقما رفته، لیکن مخزن بنزین داشته است.

حدود سه‌ماه که از توقف کامیون در محل مزبور میگذرد کودک یکی از همسایگان درب مخزن بنزین را باز کرده و روز دیگر کودکی هشت‌ساله از همسایگان، دوقطعه سنگ برداشته و آنها را نزدیک مخزن بنزین بهم کوبیده که ناگهان بر اثر جرقه حاصل از اصطکاک انفجاری رخ داده و کودک بشدت مجروح شده است.

رای دیوانعالی تمیز

(پس از ذکر مقدمه‌ای از مفروضات قضیه و اینکه شرکت با توجه به وضع راهرو و حیاط مکلف به رعایت احتیاطی معقول بوده چنین ادامه میدهد)
شرکت مدعی است که در رعایت چنان احتیاطی کوتاهی ننموده، کامیون تاپیر و سایر تجهیزات خطرناک نداشته و هنگامیکه آنها را رها کرده‌اند، بنزین آن در مخزنی سر بسته جای داشته است شرکت همچنین به آرائی استناد جسته که بنزین حتی در ظروفی سر باز و در محل‌هایی که کودکان عادت بیازی داشته‌اند، نگهداری میشده و تقصیر یا غفلت محسوب نشده است.
و اما تنها عامل خطرناک موضوع شکایت در مورد کامیون مزبور که قطعاتی از

4) Parnell V. Holland Furnace Co. Supreme Court of New York, Appellate Division, 1932. 234 App. Div. 567, 256 N. Y. S. 323.

آن جدا و برده شده و بقیه متروک مانده، وجود بنزین در مخزن آن بوده است. آیا رها کردن کامیونی با این مشخصات در حالیکه در مخزن آن بنزین بوده، خطرناک است یا نه، باید به اوضاع و شرایط پیرامون آن بدل توجه نمود. در اینکه حیاط محل اجتماع و بازی کودکان بوده تردیدی نیست و شرکت از این ماجرا بی‌خبر نبوده چنانکه یکی از کارمندان سابق شرکت گواهی داده که در مواقع عدیده کودکان را در آن محل دیده است. همه کس میدانند که کودکان هنگام بازی علاقه‌مندند از اتومبیل و کامیونی که درجائی متوقف است و کسی از آن استفاده نمیکند، بالا روند و قطعات و وسائل و ابزار آنها برداشته با خود ببرند. شرکت با علم بمراتب مزبور از بازی کودکان جلوگیری نکرده و در عین حال موجبات ایمنی بازی آنها را فراهم نساخته و اگرچه اوضاع و شرایطی را که منتهی به انفجار شد دقیقاً پیش‌بینی نکرده لیکن بی‌اطلاعی از این جزئیات که خطر بالقوه را به فعل می‌آورد، رافع مسئولیت شخص نیست.

(مدعی علیهم به آرائی استناد جسته‌اند که شخصی بنزین را بمنظور فروش نگهداری میکرده و حادثه‌ای نظیر آنچه فوقاً مذکور افتاد، رخ داده و دادگاه مشتکی‌عنه را از مسئولیت مبری دانسته است.)

دعوی حاضر با آنچه مدعی علیهم استناد میکنند متفاوت است زیرا در این دعوا، بنزین در مخزن کامیون بمنظور تأمین سوخت و قوه محرك کامیون نگهداری میشده و پس از اینکه کامیون از کار افتاده و برای کشیدن بار از آن استفاده نمیشده، باقی ماندن بنزین در مخزن هیچ هدفی نداشته، با این احوال بنزین ماهیها در مخزن کامیون باقی مانده و همین امر دعوی را با دعوی مورد استناد مدعی علیهم متفاوت میسازد.... رای دادگاه تالی که بسود مدعی صادر شده تأیید و....

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رای اقلیت

با تأیید رای دادگاه بدوی از حدود احکامیکه تاکنون صادر شده فراتر رفته‌ایم و باری سنگین‌تر از آنچه عرف ایجاب میکند، بردوش دستگامهای بازرگانی هموار ساخته‌ایم.

شرکتی که مالک کامیون نبوده، باین تقصیر باید جریمه سنگینی بپردازد که اجازه داده است کامیون از کار افتاده در محل متصرفی وی متوقف شود در حالیکه مخزن آن بنزین داشته و درب آن بنحو شایسته‌ای مسدود بوده مع‌الوصف باید این پیش‌بینی را هم میکرد که کودکان فضول از آن بالا میروند و بکاری دست میزنند که ممکنست به آنان آزار برسانند.

(پس از ذکر آراء عدیده چنین ادامه میدهد) بنزین از جمله مواد مورد استفاده عامه است. اتومبیل‌هایی در خیابانها یا پارکینگها یا نزدیک زمینهای بازی متوقف میشوند در مخزنهای خود بنزین دارند و هر زمان ممکنست کودکان موزی و شیطان درب مخازن آنها را باز کنند و موجبات انفجاری را فراهم سازند، در اینصورت آیا

میتوان بدون توجه بشرایط خاص و فقط به صرف وقوع انفجار کسی را مسئول جبران خسارات دانست؟ هرگاه شخصی در مخزن اتومبیل یا ظرفی دیگر مقداری بنزین داشته و درب آنرا دقیقاً بسته و در محل متصرفی خود نگهدارد آیا باید او را به گناه ارتکاب تقصیر محکوم کرد، باین دلیل که کودکانی در آن حوالی یا در گاراژ بیازی میپردازند و ممکنست ضمن بازی درب مخزن یا ظرف محتوی بنزین را بردارند و خطری بوجود آورند توسعه دامنه مسئولیت افراد تا باین حد غریب بنظر میرسد.

با ذکر این مقدمه بشرایط خاص دعوی حاضر بازگردیم.

آیا نگهداری کامیون کهنه و ازکار افتاده در ملك متصرفی، جائیکه کودکان ممکنست بیازی بپردازند، ذاتاً مخاطره آمیز است؟ و هرگاه کودکی درب مخزن بنزین را بازکند و موجبات انفجار را فراهم سازد آیا علت تامه و نهائی خسارت رامیتوان متصرف ملك دانست؟

بنظر اقلیت دادگاه، برعهده شرکت نمیتوان بنحوی موجه و معقول تکلیفی هموار ساخت که بموجب آن درخصوص کامیون فرسوده و بلامصرف متعلق به یکی از کارکنان خود که در محل متصرفی شرکت متوقف بوده و بوسیله کودکی که دو قطعه سنگ را بهم کوبیده و خسارتی بوجود آورده است، مسئول باشد. بمبارت دیگر شرکت درمورد بازی و سرگرمی اطفال، چنین تکلیفی برعهده نداشت که کامیون را آزمایش کند و بنزین موجود در مخزن آنرا تخلیه و اطمینان حاصل کند که هیچ عاملی ولواینکه هیچگونه ارتباطی باوی نداشته باشد، خطری ایجادنخواهد کرد.

به اعتقاد ما حکم دادگاه تالی باید شکسته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی